نقش میانجی خودشیفتگی آسیب‌پذیر و بزرگ‌منش در رابطه سبک‌های دلبستگی و تکانشگری در دانشجویان

سپیده فرج پور نیری[1]، زینب احمدی[2]، میکائیل بخشش بروجنی[3]

۱. دانشجوی دکتری روانشناسی بالینی، گروه روانشناسی بالینی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.
۲. دانشجوی دکتری روانشناسی، گروه روانشناسی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.
۳. کارشناس ارشد روانشناسی بالینی، گروه روانشناسی بالینی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.

توسعه پرستاری در سلامت/ دوره دوازدهم/ شماره ۲/ پاییز و زمستان ۱۴۰۰

چکیده

زمینه و هدف: با توجه به اثر عوامل تحولی در مشکلات فردی و اجتماعی و لزوم توجه بیش از پیش به موارد مرتبط، پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه تکانشگری و سبک‌های دلبستگی با میانجی‌گری خودشیفتگی بزرگ‌منش و آسیب‌پذیر انجام شد.

مواد و روش‌ها: مطالعه حاضر از نوع توصیفی ـ همبستگی بود. با استفاده از روش نمونه‌گیریخوشه ای چند مرحله ای ۳۰۰ نفر از دانشجویان دانشگاه تبریز انتخاب شدند. ابزار جمع‌آوری داده‌ها، سیاهه دلبستگی بزرگ‌سالان (*Adult Attachment Inventory*)، سیاهه شخصیت خودشیفته بزرگ‌منش (*the narcissistic personality inventory*)، مقیاس‌خودشیفتگی آسیب‌پذیر (*Hypersensitive Narcissism Scale*) و مقیاس تکانشگری بارت (*Barratt Impulsiveness Scale*) بودند. داده‌ها با استفاده از روش معادلات ساختاری و نرم‌افزار $AMOS_{23}$، تحلیل شدند.

یافته‌ها: نتایج مسیرهای مستقیم نشانگر وجود رابطه منفی معنادار بین دلبستگی ایمن و تکانشگری ($p<۰/۰۱$ ،$r= -۰/۱۹$) و همچنین رابطه مثبت بین دلبستگی ناایمن اجتنابی، دوسوگرا، خودشیفتگی آسیب‌پذیر و بزرگ‌منش با تکانشگری بودند (به ترتیب $r=۰/۱۸$،$r=۰/۲۰$،$r=۰/۱۶$،$r=۰/۲۱$،$p<۰/۰۱$). در مسیرهای غیرمستقیم نیز خودشیفتگی آسیب‌پذیر و بزرگ‌منش میانجی معنادار مدل بوده‌اند.

نتیجه‌گیری: با توجه به نتایج برازش مدل، می‌توان گفت که خودشیفتگی بزرگ‌منش و آسیب‌پذیر می‌توانند بخشی از رابطه سبک‌های دلبستگی و تکانشگری را تبیین کنند. این یافته‌ها اهمیت سبک‌های دلبستگی و دو نوع خودشیفتگی یاد شده را در پیشگیری از رفتارهای تکانشگری نشان می‌دهد.

واژگان کلیدی: تکانشگری، خودشیفتگی، آسیب‌پذیر، بزرگ‌منش، دلبستگی

آدرس مکاتبه: دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شیراز

***Email**: sepidfarajpour@gmail.com*

[Downloaded from ndhj.lums.ac.ir on 2026-11-27]

مقدمه

تکانشگری از جمله عوامل مشترک در بروز آسیب‌های روانی- اجتماعی و آمادگی قبلی برای واکنش سریع به محرک‌های درونی یا بیرونی، بدون در نظر گرفتن پیامدهای واکنش‌ها برای خود یا دیگران تعریف شده است (۱). مهم‌ترین ابعاد مفهوم‌بندی تکانشگری عبارتند از فوریت مثبت و فوریت منفی (به‌ترتیب عمل شتاب‌زده در بافت‌های هیجانی مثبت و منفی)، فقدان تأمل (در نظر نگرفتن پیامدهای اعمال)، فقدان پشتکار (دشواری در تمرکز بر کارهای سخت) و هیجان‌خواهی (تمایل به تحریک و فعالیت‌های هیجان انگیز) (۲). سوءمصرف مواد، بزهکاری، وسواس و قمار بیمارگون، می‌بارگی و خشونت، رانندگی در مستی و رفتارهای جنسی پرخطر نمونه‌های رفتار تکانه‌ای هستند (۳). با توجه به این‌که خطرپذیری زیاد، بهداشت جسمانی و روانی افراد را به خطر می‌اندازد و افراد را از کارکرد مناسب اجتماعی بازمی‌دارد، لذا مطالعات گوناگونی به بررسی عوامل خطرساز آسیب‌شناسی تکانشگری پرداخته‌اند.

یکی از عوامل مرتبط با تکانشگری، سبک‌های دلبستگی است. دلبستگی سیستم تکاملی مبتنی بر بیولوژی است که حدود ۱۵۰ میلیون سال قبل در پستانداران تحول یافته و نزدیکی نوزاد به مراقب در جهت محافظت مقابل خطر و فرصتی برای تحول به‌صورت ایمن و کشف محیط را فراهم می‌کند (۴). دلبستگی بر زندگی آینده فرد نیز مؤثر است؛ به‌طوری‌که مدل‌های کارکردی درونی دلبستگی و بازنمایی‌های درونی مربوط به خود و دیگران، تعاملات بین‌فردی خارج از خانه، به‌ویژه روابط با همسالان را شکل می‌دهد (۵). پیرو تحقیقات بالبی در باب دلبستگی، اینشورث و همکاران (۱۹۷۸) سه سبک دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا را مشخص کردند. اعتماد به دنیا و دیگران و تمایل به ایجاد ارتباط صمیمانه و مثبت با آنان از ویژگی‌های افراد دلبسته ایمن است. ترس از طرد شدن، افراد ناایمن اجتنابی را از روابط صمیمانه بازمی‌دارد. انحصارطلبی و وابستگی در روابط عاطفی، نگرانی دائمی از طرد شدن و سعی در کاهش اضطراب جدایی با وابستگی شدید به دیگران نیز از ویژگی‌های افراد ناایمن دوسوگرا است (۶). درصورت ناایمن شدن فرآیند دلبستگی، فرد به مواردی همچون بی‌عاطفگی/ عاری از احساس بودن (۴)، حساسیت بیش‌ازحد به عدم‌تأیید، عدم موفقیت و عدم پذیرش، مشکل تنظیم هیجان، سوءمصرف مواد و پرخاشگری (۸،۷) که نمودی از تکانشگری هستند مستعد خواهد بود.

به تأکید فلمینگ، اطمینان از وجود حمایت، به پرورش من قوی و خودتنظیمی هیجانی در دوران فقدان حمایت قابل‌دسترس منجر می‌شود (به نقل ۹). کرنبرگ نیز در تبیین سازمان شخصیت در چارچوب روابط موضوعی، بر تجارب کودکی و اثرات آن بر ادراک فرد از خود و روابطش با دیگران تأکید نموده و شخصیت را حاصل درونی‌سازی روابط اولیه‌ای می‌داند که ظرفیت ایگو را شکل داده و مکانیسم‌های دفاعی را به راه می‌اندازد (۱۰). لذا بدرفتاری دوران کودکی، شکستی در روابط موضوعی و آسیب به سازمان شخصیت قلمداد می‌شود و مشکلات دلبستگی اوایل کودکی همچون طرد و غفلت والدین می‌توانند علت اختلالات شخصیت باشد (۱۱). ازآنجایی‌که والدین سرد و بی‌عاطفه، معمولاً موفقیت‌های کودک خود را بی‌ارزش می‌دانند و حتی ترجیح می‌دهند در مورد موفقیت‌های خودشان صحبت کنند، لذا کودکان برای مقابله با احساس بی‌ارزشی، نارضایتی و عدم پذیرش خود، سعی می‌کنند که خود را متقاعد سازند که فرد باارزش و مستعدی هستند. محصول نهایی این فرآیند، فردی است خودشیفته و بدون اعتمادبه‌نفس که درباره استعدادها و موفقیت‌های خود دائماً به دنبال جلب‌توجه بوده و بی‌عاطفه و بی‌اعتنا است (۱۲).

یکی از اختلالات مطرح در زمینه شخصیت، خودشیفتگی است. مدل طیف خودشیفتگی شواهد وسیع اجتماعی، روانشناختی و بالینی را ارائه می‌دهد و طیفی از ویژگی‌های شخصیتی منعکس‌کننده اهمیت خود و استحقاق و نشانگر ابعاد متمایز خلق‌وخو و عملکرد است. این فرایندها به دو بعد مرتبط اما متمایز (هم از نظر بیان و هم شدت) بزرگ‌منشانه و آسیب‌پذیر تقسیم می‌شوند. خودشیفتگی بزرگ‌منشانه در برگیرنده ویژگی‌هایی همچون بهره‌کشی در روابط، نمایشگری، فقدان همدلی، برتری‌جویی و پرخاشگری، حس استحقاق، روابط متمرکز بر لذت شخصی، خودپنداره کاذب، جسارت، خیال‌پردازی‌هایی

[Downloaded from ndhj.lums.ac.ir on 2026-11-27]

نظیر قدرت نامحدود، حسادت شدید و تمایل به اجتناب از روابط نزدیک به‌عنوان سبک مقابله‌ای است. بدبینی نسبت به متخصصان و اعتماد به نفس بالا باعث می‌شود کمتر به توصیه‌های متخصصان توجه کرده و تصمیماتشان سریع اما غیردقیق باشد و پس از اتخاذ یک تصمیم ضعیف، اظهار ندامت نکنند (۱۳). خودشیفتگی آسیب‌پذیر نیز با سطوح پایین عزت‌نفس، احساس شرم، پوچی، انزجار، بی‌اعتمادی به دیگران، حساسیت افراطی به طرد و انتقاد، خودپنداری منفی و اجتناب از روابط بین‌فردی به دلیل ناکامی در ارضای نیاز شدید فرد به تحسین همراه است (۱۴؛ ۱۵؛ ۱۶).

درزمینه اختلال شخصیت خودشیفته و سبک‌های دلبستگی، پژوهش‌هایی در داخل و خارج از کشور انجام شده است. ازجمله یافته‌های پژوهش (۱۷) نشان داد که دلبستگی اجتنابی و ایمن بیشتر در افراد خودشیفته بزرگ‌منش و دلبستگی مضطرب - دوسوگرا بیشتر در افراد خودشیفته آسیب‌پذیر دیده می‌شود. در مطالعه‌ای دیگر خودشیفتگی بزرگ‌منش با دلبستگی اضطرابی رابطه داشته و رابطه معناداری بین خودشیفتگی بزرگ‌منش و دلبستگی اجتنابی وجود نداشته است (۱۸). در نوجوانان پسر دارای سطوح بالای عزت نفس، خودشیفتگی با دلبستگی اجتنابی به مادر و دوستان مرتبط بوده است (۱۹). خانجانی و همکاران (۱۳۹۱) نیز گزارش کردند رابطه سبک‌های دلبستگی ناایمن اجتنابی و دوسوگرا با اختلالات خوشه A و C مثبت و معنادار بوده ولی سبک‌های دلبستگی با اختلالات خوشه B رابطه معناداری نداشته‌اند (۹).

خودشیفتگی یکی‌دیگر از عوامل مرتبط با رفتارهای تکانه‌ای است. کوهت بسیاری از مشکلات کنترل را با احساس نقص از خویشتن مربوط می‌دانست. با عدم دریافت واکنش‌های تائیدکننده و اعتباربخش در روابط مهم با دیگران، خویشتن چندپاره می‌شود و از رفتارهای تکانشی جهت مقابله با درهم‌شکستگی و کسب مجدد حس انسجام خویش، دفاع در برابر رویدادهای آسیب‌رسان خودشیفتگی و وسیله‌ای برای حفظ رابطه بین‌فردی استفاده می‌کنند (۳). خودشیفتگی بزرگ‌منشانه با مقیاس رفتاری تکانشگری (۲۱؛۲۰) رابطه مثبت داشته و نقص در توانایی بازداری رفتارهای پذیرفته‌نشده و ضداجتماعی تبیین‌کننده آن بوده است (۲۰). ازسوی‌دیگر خودشیفتگی آسیب‌پذیر با مقیاس خود گزارشی تکانشگری (و نه تکانشگری رفتاری) مرتبط بوده است (۲۲). در مقابل به گزارش کارنا و همکاران (۲۳) خودشیفتگی آسیب‌پذیر رابطه منفی معنی‌داری با مقیاس رفتاری تکانشگری دارد که نشان دهنده همراه بودن آن با مواردی همچون اجتناب و بازداری اجتماعی است که عمدتاً جهت حفظ ایگوی شکننده انجام می‌گیرد. همچنین خودشیفتگی آسیب‌پذیر و بازداری رفتاری بالا با شماری از صفات و حالات هیجانی منفی (مثل افسردگی، نگرانی، حس ناکارایی و شرم) مرتبط است. عاطفه منفی و بازداری اجتماعی ممکن است تبیین‌گر رابطه ضعیف‌تر خودشیفتگی آسیب‌پذیر و تکانشگری نسبت به خودشیفتگی بزرگ‌بینانه و تکانشگری باشد. خودشیفتگی آسیب‌پذیر با دشواری در تنظیم هیجان و کنترل تکانه همراه بوده (۲۴) و مشکلات تنظیم هیجان، میانجی‌گر رابطه خودشیفتگی آسیب‌پذیر و رفتار تکانه‌ای از جمله پرخاشگری رابطه‌ای است (۲۵).

به‌طورکلی برون‌گرایی و مخاطره‌جویی کوتاه‌مدت در افراد خودشیفته با تکانشگری کارکردی سازگار است. تکانشگری کارکردی این افراد در شرایطی که دقت و صحت اهمیت کمتری نسبت به اشتیاق و سرعت عمل داشته باشد، رسیدن به موفقیت را تسهیل می‌کند و در تعاملات کوتاه‌مدت اجتماعی موفق می‌شوند (۲۶). از آن‌جایی‌که بسیاری از تعاملات اجتماعی خودکار هستند، لذا مشارکت اجتماعی سریع افراد خودشیفته منجر به ایجاد تأثیرات فریبنده اولیه در دیگران می‌گردد (۲۷).

در مجموع نتایج مطالعات بیانگر آن است که سبک‌های دلبستگی ناایمن و ویژگی‌های اختلال شخصیت خودشیفته می‌توانند با تکانشگری در ارتباط باشند اما اکثر تحقیقات انجام شده به صورت جداگانه بوده‌اند و تنها در پژوهشی که اخیراً صورت گرفته، سه متغیر به‌صورت همزمان مطالعه شده‌اند. در این پژوهش طولی با نمونه ۱۷۰۰ نفری، وجود دلبستگی ناایمن در سن سه‌سالگی پیش‌بین حس محق بودن در خودشیفتگی بوده اما نتوانسته تکانشگری شناختی در سن ۱۵ سالگی را پیش‌بینی کند. (۷). به لحاظ اهمیت کاربردی، اگر دانش درباره همبسته‌های تکانشگری افزایش یابد، می‌توانند در اقدامات پیشگیرانه و تدوین پروتکل‌های درمانی در سطح

[Downloaded from ndhj.lums.ac.ir on 2026-11-27]

جامعه مؤثر باشد. پژوهش در باب سبک‌های دلبستگی نیز می‌تواند نقشی مهم در پیشگیری از اختلالات شخصیت مانند خودشیفتگی داشته باشد. طبق پیشینه پژوهشی، این افراد مشکلاتی در روابط اولیه با مراقب یا مادر خود داشته‌اند، لذا شناسایی عوامل تحولی مؤثر بر اختلالات شخصیت، یاری‌کننده متخصصان بهداشت روان در پیشگیری و کاهش آسیب‌های فردی و اجتماعی خواهد بود. با توجّه به خلأهای نظری و پژوهشی در این حوزه مهم، هدف تحقیق حاضر تعیین روابط ساختاری سبک‌های دلبستگی با تکانشگری با توجّه به نقش میانجی خودشیفتگی آسیب‌پذیر و بزرگ‌منش در دانشجویان است.

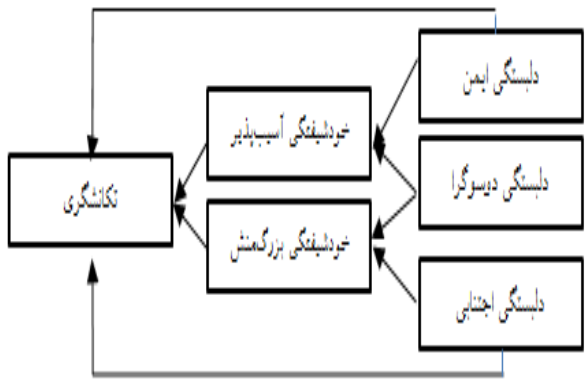

شکل (۱)- مدل مفهومی پژوهش

روش کار

پژوهش حاضر با توجه به نحوه گردآوری داده‌ها، جزء تحقیقات توصیفی ـ همبستگی و با توجه به اهداف، از نوع بنیادی است که در آن روابط علی‌ساختاری بین متغیرها مورد بررسی قرارگرفته است. جامعه مورد مطالعه، کلیه دانشجویان دانشگاه تبریز در سال ۹۸-۱۳۹۷ بودند که با نمونه‌گیری چندمرحله‌ای خوشه‌ای و طبق جدول مورگان، نمونه ۳۰۰ نفری انتخاب شدند. لازم به ذکر است ملاک ورود به پژوهش، تحصیل شرکت کنندگان در رشته‌هایی به جز روانشناسی و مشاوره بود. در راستای رعایت ملاحظات اخلاقی، اهداف پژوهش حاضر و محرمانه بودن داده‌ها توضیح داده شده و پس از کسب رضایت از دانشجویان، پرسش‌نامه‌ها ارائه شدند. پرسش‌نامه‌های ناقص و مخدوش، حذف و داده‌های جمع‌آوری شده نمره‌گذاری شده و درنهایت به‌منظور تحلیل نقش میانجی، از روش مدل‌یابی معادلات ساختاری و نرم‌افزار $AMOS_{23}$ استفاده شد.

ابزارهای مورد استفاده برای جمع‌آوری داده‌ها شامل پرسشنامه‌های زیر بودند:

مقیاس تکانشگری بارت و همکاران (۱۹۹۵): ۳۰ سؤال و ۳ عامل (تکانشگری شناختی، تکانشگری حرکتی و بی‌برنامگی) دارد که در طیف لیکرت چهارگزینه‌ای و با نمرات هرگز (۱)، گهگاه (۲)، اغلب (۳) و تقریباً همیشه (۴) نمره‌گذاری می‌شود. افراد دارای میانگین نمره‌کل بالاتر از ۶۴، تکانشگر محسوب می‌شوند. اعتبار درونی این مقیاس در گروه‌های دانشجویان کارشناسی، مبتلایان به سوءمصرف مواد، بیماران روان‌پزشکی عمومی و زندانیان تأیید و به ترتیب ۰/۸۲، ۰/۷۹، ۰/۸۳ و ۰/۸۰ گزارش شده است (۲۸). در یک پژوهشی ایرانی، اعتبار کل با روش آلفای کرونباخ و بازآزمایی به ترتیب ۰/۸۱ و ۰/۷۷ بوده است (۲۹). آلفای کرونباخ در پژوهش حاضر ۰/۸۱ است.

سیاهه دلبستگی بزرگ‌سالان بشارت (۱۳۸۴): این سیاهه با استفاده از مواد آزمون دلبستگی هازن و شاور (۱۹۸۷) ساخته‌شده و در ایران هنجاریابی شده است. در این سیاهه سه سبک دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا را برحسب ۱۵ سؤال در مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت از هم متمایز می‌شود. دامنه نمرات زیرمقیاس‌ها بین ۵ تا ۲۵ است. ضرایب آلفای کرونباخ هر خرده‌مقیاس دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا در نمونه‌ای ۱۴۸۰ نفری، به ترتیب ۰/۹۱، ۰/۸۷ و ۰/۹۰ بوده است (۳۰). آلفای کرونباخ پژوهش حاضر برای خرده‌مقیاس‌های دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا به ترتیب ۰/۶۶، ۰/۶۳ و ۰/۶۴ است.

سیاهه شخصیت خودشیفته ۱۶ گویه ای (۲۰۰۶): کوتاه‌شده پرسش‌نامه ۴۰ گوی‌های شخصیت خودشیفته است که به‌منظور سنجش ویژگی‌های شخصیت خودشیفته جمعیت بالینی ساخته‌شده است. هر ماده دو گزاره مخالف دارد که فرد بایستی یکی را انتخاب کند. دامنه نمره کلی بین ۰ تا ۱۶ است و نمره‌گذاری معکوس ندارد. نمرات بالاتر بیانگر سطوح بالاتر خودشیفتگی است. ضریب پایایی بازآزمایی در طول پنج هفته ۰/۸۹ و ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۵ گزارش‌شده است (۳۱). محمدزاده

[Downloaded from ndhj.lums.ac.ir on 2026-11-27]

(۱۳۸۸) طی اعتباریابی، روایی هم‌زمان و افتراقی را تأیید کرده و ضریب پایایی تنصیفی و ضریب آلفای کرونباخ را به ترتیب ۰/۸۴ و ۰/۷۹ گزارش کرده است (۳۲). آلفای کرونباخ در پژوهش حاضر ۰/۷۷ است.

مقیاس خودشیفتگی فوق‌حساس هندین و چیک (۱۹۹۷): از مقیاس خودشیفتگی موری (۱۹۳۸) اقتباس شده و مختص جمعیت غیربالینی است. ۱۰ سؤال دارد که در مقیاس لیکرت از ۱ (اصلاً) تا ۵ (بسیار زیاد) نمره‌گذاری می‌شود و دامنه آن بین ۱۰ تا ۵۰ است. نمرات بالاتر بیانگر سطوح بالاتر این نوع خودشیفتگی است. در سه مطالعه، همسانی درونی این مقیاس ۰/۷۲، ۷۵ و ۰/۶۲ گزارش شده است (۳۳). در یک پژوهش ایرانی نیز ضریب آلفا ۰/۷۲ بوده است (۳۴). آلفای کرونباخ در پژوهش حاضر ۰/۶۲ است.

یافته‌ها

در جدول(۱) شاخص‌های آمار توصیفی نمونه پژوهش ارائه شده است. طبق مندرجات جدول، اکثریت افراد مجرد (مجرد=۲۶۸، متأهل=۳۲) و دارای تحصیلات کارشناسی (۱۷۱)، کارشناسی ارشد (۱۱۲) و دکتری (۱۷) بوده‌اند. فراوانی زنان دو برابر مردان (زن=۲۰۰، مرد=۱۰۰) بوده است.

جدول (۱)- فراوانی دانشجویان شرکت کننده در پژوهش برحسب مشخصات دموگرافیک

متغیرها		فراوانی	درصد
جنسیت	مرد	۱۰۰	۳۳/۳
	زن	۲۰۰	۶۶/۷
وضعیت تأهل	مجرد	۲۶۸	۸۹/۳
	متأهل	۳۲	۱۰/۷
تحصیلات	کارشناسی	۱۷۱	۵۷
	کارشناسی ارشد	۱۱۲	۳۷/۳
	دکتری	۱۷	۵/۷

نتایج نشان می‌دهد که دلبستگی ایمن با کلیه متغیرهای این پژوهش رابطه منفی معنادار دارد، درحالی‌که دلبستگی دوسوگرا و اجتنابی با تکانشگری، خودشیفتگی آسیب‌پذیر و بزرگ‌منش روابط مثبت و معنادار دارند. لازم به ذکر است بین تکانشگری، خودشیفتگی آسیب‌پذیر و بزرگ‌منش نیز روابط مثبت و معنادار وجود دارد جدول (۲).

جدول(۲)- شاخص‌های مرکزی و پراکندگی و ماتریس‌های همبستگی متغیرها

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	*M*	*SD*
دلبستگی ایمن	۱						۱۴/۶۳	۳/۹۹
دلبستگی دوسوگرا	-۰/۲۵**	۱					۱۳/۵۶	۳/۵۸
دلبستگی اجتنابی	-۰/۳۹**	۰/۲۵**	۱				۱۳/۸۰	۴/۴۵
تکانشگری	-۰/۴۴**	۰/۴۶**	۰/۴۵**	۱			۶۱/۰۶	۱۴/۷۸
خودشیفتگی آسیب‌پذیر	-۰/۲۹**	۰/۳۵**	۰/۳۴**	۰/۴۵**	۱		۲۳/۶۸	۶/۷۳
خودشیفتگی بزرگ‌منش	-۰/۳۱**	۰/۳۶**	۰/۲۹**	۰/۴۸**	۰/۳۳**	۱	۳/۷۴	۵/۳۱

[Downloaded from ndhj.lums.ac.ir on 2026-11-27]

در راستای بررسی روابط ساختاری متغیرهای موردمطالعه از روش مدل یابی معادلات ساختاری استفاده شد. طبق مندرجات جدول علی ساختاری(۳) ، مدل نظری برازش مطلوب دارد، چرا که مقدار ریشه میانگین مجذور خطای برآورد (*RMSEA*) در حد قابل‌قبول (کمتر از ۰/۰۸) بوده و نسبت χ^2/df پایین‌تر از حد مطلوب (۵) است. از طرفی مقدار شاخص‌های نیکویی برازش (*GFI*)، نیکویی برازش اصلاح‌شده (*AGFI*)، برازش تطبیقی (*CFI*)، برازش افزایشی (*IFI*)، توکر لوئیس (*TLI*) و برازش هنجارشده (*NFI*) در حد مطلوب (بالاتر از ۰/۹۰) واقع‌شده‌اند. مقدار شاخص برازش نسبی (*RFI*) نیز در حد نسبتاًمطلوب (بزرگ‌تر از ۰/۸۵) است. بنابراین به نظر می‌رسد که سبک‌های دلبستگی به‌واسطه خودشیفتگی آسیب‌پذیر و خودشیفتگی بزرگ‌منش قادرند تغییرات تکانشگری را به‌طور معناداری تبیین نمایند.

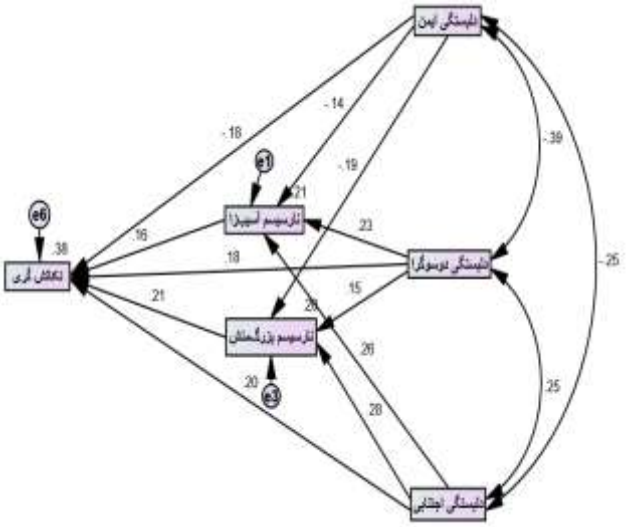

شکل (۲)- مدل علی ساختاری متغیرها

جدول (۳)- شاخص‌های برازش مدل علی ساختاری مفروض

TLI	*RFI*	*IFI*	*NFI*	*CFI*	*AGFI*	*GFI*	*P*	χ^2/df	*RMSEA*
۰/۹۲	۰/۸۷	۰/۹۸	۰/۹۷	۰/۹۸	۰/۹۳	۰/۹۹	۰/۰۲۳	۲/۶۱	۰/۰۷

اثرات استانداردشده و معناداری مسیرهای مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای پیش‌بین و میانجی این پژوهش بر تکانشگری در جدول(۴) ارائه‌شده است. طبق یافته‌های جدول(۴)، مسیرهای مستقیم نشان می‌دهند که دلبستگی ایمن با ضریب‌تأثیر (۰/۱۹-) قادر است در واحد استاندارد ۱۹ صدم تغییرات تکانشگری را به‌طور منفی و معنادار تبیین کند. دلبستگی اجتنابی با ضریب‌تأثیر (۰/۱۸) قادر است در واحد استاندارد ۱۸ صدم از تغییرات تکانشگری و دلبستگی دوسوگرا با ضریب‌تأثیر (۰/۲۰) قادر است در واحد استاندارد ۲۰ صدم از تغییرات تکانشگری را به‌طور مثبت و معنادار تبیین کند.

خودشیفتگی آسیب‌پذیر با ضریب تأثیر (۰/۱۶) قادر است در واحد استاندارد ۱۶ صدم از تغییرات تکانشگری و خودشیفتگی بزرگ‌منش با ضریب‌تأثیر (۰/۲۱) قادر است در واحد استاندارد ۲۱ صدم از تغییرات تکانشگری را به‌طور مثبت و معنادار تبیین کند. همچنین اثرات غیرمستقیم و کامل متغیرهای مستقل به واسطه خودشیفتگی آسیب‌پذیر و بزرگ منش برتکانشگری با استفاده از روش بوت استروپ در جدول (۴) ارائه شده است.

نتایج مسیرهای غیرمستقیم نشان می‌دهد دلبستگی ایمن به‌واسطه خودشیفتگی آسیب‌پذیر و بزرگ‌منش، به ترتیب قادر

[Downloaded from ndhj.lums.ac.ir on 2026-11-27]

است ۹ درصد و ۱۶ درصد از تغییرات تکانشگری را به‌طور منفی و معناداری در سطح $p<۰/۰۵$ تبیین نماید. دلبستگی اجتنابی به‌واسطه خودشیفتگی آسیب‌پذیر و بزرگ‌منش به ترتیب قادر است ۱۵ درصد و ۱۴ درصد از تغییرات تکانشگری را به‌طور مثبت و معناداری در سطح $p<۰/۰۱$ تبیین نماید. در نهایت دلبستگی دوسوگرا به‌واسطه خودشیفتگی آسیب‌پذیر و بزرگ‌منش به‌ترتیب قادر است ۱۳ درصد و ۱۸ درصد از تغییرات تکانشگری را به‌طور مثبت و معناداری در سطح $p<۰/۰۱$ تبیین نماید.

جدول (۴)- اثرات استانداردشده مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مستقل و میانجی بر تکانشگری

متغیرها			مسیر مستقیم	اثرات	استاندارد	
متغیر مستقل	متغیر میانجی	متغیر وابسته		معناداری	مسیر غیرمستقیم	معناداری
دلبستگی ایمن	خودشیفتگی آسیب‌پذیر خودشیفتگی بزرگ‌منش	تکانشگری	-۰/۱۹	۰/۰۰۱	-۰/۰۹ -۰/۱۶	۰/۰۱۰ ۰/۰۰۱
دلبستگی اجتنابی	خودشیفتگی آسیب‌پذیر خودشیفتگی بزرگ‌منش	تکانشگری	۰/۱۸	۰/۰۰۱	۰/۱۵ ۰/۱۴	۰/۰۰۱ ۰/۰۰۴
دلبستگی دوسوگرا	خودشیفتگی آسیب‌پذیر خودشیفتگی بزرگ‌منش	تکانشگری	۰/۲۰	۰/۰۰۱	۰/۱۳ ۰/۱۸	۰/۰۰۱ ۰/۰۰۱
خودشیفتگی آسیب‌پذیر	-	تکانشگری	۰/۱۶	۰/۰۰۱	-	-
خودشیفتگی بزرگ‌منش	-	تکانشگری	۰/۲۱	۰/۰۰۲	-	-

بحث

هدف پژوهش حاضر، تعیین روابط ساختاری سبک‌های دلبستگی با تکانشگری با توجّه به نقش میانجی خودشیفتگی آسیب‌پذیر و بزرگ‌منش در دانشجویان بود. طبق یافته اول، دلبستگی ایمن رابطه منفی و دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا رابطه مثبت با تکانشگری دارند. این یافته با پژوهش‌های (۹،۸،۴) هم‌سو است. ایکهورن در کار با نوجوانان بزهکار، رفتارهای تکانشی را مربوط به ضعف در فرامن و ساختمان ایگو همراه با آسیب‌دیدگی روانی ناشی از محرومیت کودکی دانست (۳). طبق مطالعات، بین تکانشگری و سبک‌های ناکارآمد تنظیم هیجان رابطه وجود دارد (۳۵). از طرف دیگر بدتنظیمی هیجانی و تکانشگری، تحت تأثیر سبک‌های دلبستگی هستند (۳۶). در واقع افراد ناایمن در مواقع عدم دسترسی به چهره‌های دلبستگی، با روی‌آوری به استراتژی‌های دلبستگی ثانویه همچون پرخوری و پاک‌سازی، سوء مصرف مواد و رفتارهای خودآسیب‌رسان، تنظیم هیجان کرده و به ایمنی و آرامش می‌رسند. لذت کوتاه‌مدت همراه با رفتارهای تکانشی ممکن است عامل مقابله‌ای با حالات هیجانی منفی و غیرلذت‌بخشی باشد که تحمل و پذیرش آن‌ها برای فرد دلبسته ناایمن دشوار است (۳۷).

طبق یافته دوم، تکانشگری با شخصیت خودشیفته بزرگ‌منش و آسیب‌پذیر رابطه مستقیم دارد. این یافته با نتایج پژوهش (۲۲، ۲۳، ۲۵) همسو و با پژوهش (۲۴) ناهمسو است. خودشیفتگی بزرگ‌منشانه رابطه ضعیفی با زمان واکنش توقف دارد و این افراد پاسخ‌های تکانه‌ای بیشتری دارند (۳۸). طبق نتایج یک مطالعه طولی (۳۹)، نوجوانان خودشیفته با سطح

[Downloaded from ndhj.lums.ac.ir on 2026-11-27]

استثمار بالاتر در سن چهارده سالگی در مقایسه با نوجوانان با سطح استثمار پایین‌تر، بیشتر در معرض استفاده از مواد مخدر، اعمال بزهکارانه، رابطه جنسی و بروز علائم اختلال سلوک قرار داشته‌اند. ابعاد تکانشگری همچون فوریت و هیجان خواهی، به احتمال زیاد در رابطه بین خودشیفتگی و پرخاشگری نقش دارند. تمایل برای اقدام عجولانه و بی‌پروا تحت‌تأثیر حالات هیجانی منفی مانند شرم ممکن است افراد خودشیفته بزرگ‌منش را به سمت حمله به دیگران سوق دهد. در واقع افرادی دارای احساس استحقاق بالا، در بیشتر مواقع احساس می‌کنند که ناعادلانه با آن‌ها رفتار شده است. آنچه در افراد خودشیفته به عنوان یک حساسیت خاص به نشانه‌های منفی قلمداد می‌شود، ممکن است منعکس‌کننده ناتوانی آن‌ها در فهم معنای نهان آنچه‌که مستقیماً درک می‌کنند، باشد و درواقع آن چه که این افراد در ذهن خود تجسم می‌کنند، صرفاً دیدن نشانه‌های تهدیدکننده از جانب دیگران باشد (به نقل از ۴۰).

در تبیین رابطه تکانشگری و خودشیفتگی می‌توان به نظریه تکاملی زیستی- روانی- اجتماعی میلون (۱۹۹۰) اشاره کرد. طبق این نظریه، افراد خودشیفته در کودکی تحت آموزش‌های انضباطی والدین قرار نمی‌گیرند، با حس ترس، گناه و شرم محدود نشده‌اند و نمی‌توانند به خودکنترلی و بر عهده گرفتن مسئولیت‌ها برسند (۴۱). طبق مدل روان‌سازه‌های یانگ و همکاران (۲۰۰۳) نیز افراد در کودکی خویشتن‌داری و انضباط را نیاموخته‌اند و مجاز بوده‌اند که بدون توجه به احساسات سایرین و به دلخواه خود رفتار کرده و تکانشگرایانه به اهداف خود برسند. مورد سوء استفاده قرار گرفتن در کودکی نیز در تکانشگری آتی این افراد مؤثر است (۴۲). سبک مزاج روی‌آوری این افراد نیز با ویژگی‌هایی همچون حساسیت ابتدایی به پاداش، پرخاشگری، تکانشگری و خطرپذیری مرتبط است (۴۳). در افراد بزرگ‌منش سطح مزاج روی‌آوری بالا و سطح مزاج اجتنابی پایین است و در مقابل در افراد آسیب‌پذیر، سطوح مزاج روی‌آوری و اجتنابی بالاست. با توجه به این که افراد خودشیفته بزرگ‌منش بیشتر به دنبال پاداش‌های فوری هستند، لذا در این چارچوب نیز رفتارهای تکانه‌ای آنان قابل‌تبیین است (۱۷، ۲۸).

طبق یافته سوم، بین خودشیفتگی و سبک‌های دلبستگی رابطه وجود دارد و افراد خودشیفته دارای سبک‌های دلبستگی ناایمن هستند. این یافته با بخشی از پژوهش (۱۷) همسو و با بخشی دیگر نا همسو است. مطالعات (۴۵،۴۴،۲۴) به رابطه مثبت بین سبک‌های دلبستگی ناایمن و خودشیفتگی بزرگ‌منش و آسیب‌پذیر اشاره کرده‌اند. در بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی و اختلال شخصیت خوشه B در زندانیان و بیماران پزشک قانونی نیز مشاهده شده که این گروه در مقایسه با جمعیت عادی، کمتر به دلبستگی ایمن و بیشتر به دوسوگرا تعلق داشته‌اند (۴۶). در مقابل نتایج برخی مطالعات دیگر حاکی از وجود رابطه منفی بین خودشیفتگی و اضطراب/ اجتناب دلبستگی هستند (۴۷، ۴۸).

یکی از تبیین‌کننده‌های شخصیت خودشیفته، مفهوم حلقه میان فردی لیری (۱۹۵۷) است. در این دیدگاه، افراد همواره به دنبال برتری و رقابت‌جویی هستند و وابستگی آنان را وحشت‌زده می‌کند (۴۱). فرآیند دلبستگی رابطه نزدیکی با اعتباربخشی والدین به کودک داشته و بر تمامی جوانب تحول کودک همچون تنظیم عاطفه، برانگیختگی و خودارزشمندی تأثیر عمیقی دارد. هرچند تفاوت در فنوتیپ خودشیفتگی آسیب‌پذیر و بزرگ‌منش ممکن است منشأ گرفته از مزاج هیجانی باشد، ولی نقص در بازنمایی ذهنی و خودتاملی که حاصل فرایند دلبستگی است، سهم عمده‌ای در تحول اختلال خودشیفته داشته باشد (۴۹). آسیب‌پذیری خودشیفته‌وار شامل ارتباط بین نیاز فرد به وابستگی به دیگران (دلبستگی اضطرابی- دوسوگرا) و کوشش برای غیرفعال کردن سیستم دلبستگی با جایگزین کردن نیازهای وابستگی به دیگران با پول، قدرت و غیره (دلبستگی اجتنابی) است (۵۰). هرچند این عامل در کوتاه‌مدت ممکن است در کاهش آشفتگی فرد مؤثر باشد، در بلندمدت به افزایش استرس، آسیب‌پذیری، بیش‌فعال‌سازی سیستم دلبستگی (دوسوگرا) و تلاش جهت غیرفعال‌سازی سیستم دلبستگی (اجتنابی) منتهی گردد (۵۰). دلبستگی ایمن حاصل از حمایت پاسخگویانه و در دسترس مراقب، منجر به حس ارزشمندی سالم در کودک می‌شود. در مقابل، دلبستگی ناایمن ترسان زمینه‌ساز خودشیفتگی آسیب‌پذیر می‌گردد (۴۹).

[Downloaded from ndhj.lums.ac.ir on 2026-11-27]

درواقع شیوه فرزندپروری غیرقابل‌پیش‌بینی مراقب، مانع ارضای نیازهای اولیه کودک می‌شود. در ادامه کودک به‌منظور دفاع از خود در برابر حس بی‌کفایتی و ادراک منفی در خصوص خود، دیدگاه بزرگ‌منشانه و خودشیفته‌وار پیدا می‌کند (۵۱).

یافته بعدی نشان داد که خودشیفتگی قادر به تبیین رابطه بین سبک‌های دلبستگی و تکانشگری است. رفتار سرد و طردکننده والدین با کودک منجر به‌نوعی عطش هیجانی در فرد گشته و کودک حس می‌کند که هرلحظه در معرض رها شدن است. لذا چنین فردی در مواجهه با نیازهای ارضا نشده، می‌آموزد کمتر به سایرین تکیه کند و خودپنداره‌ای کاذب تشکیل می‌دهد که در آن به‌صورت کاذب بسیار باارزش است. بیش‌ارزش‌گذاری و سردی والدین دو عامل مؤثر بر خودشیفتگی بزرگ‌منش و آسیب‌پذیر هستند، به‌طوری‌که در خودشیفتگی بزرگ‌منش سهم دو مؤلفه یادشده یکسان و در خودشیفتگی آسیب‌پذیر، تأثیر سردی والدین نسبت به مؤلفه بیش‌ارزش‌گذاری بیشتر است (۵۱). تجارب بدرفتاری، غفلت و طرد از جانب والدین، منجر به حس عدم‌شایستگی برای مراقبت و محبت در کودکان می‌گردد و در نتیجه کودکان برای مقابله با حالات هیجانی ناشی از آن، خودپنداره‌ای بزرگ‌منش ایجاد می‌کنند (۵۲). این فقدان همدلی و عدم ثبات عشق والدین با سطوح بالای خودشیفتگی بزرگ‌منشانه و افسردگی و سطوح پایین حرمت‌نفس رابطه مثبت دارد (۵۳). طبق تحقیقات (۳۸،۲۰)، خودشیفتگی بزرگ‌منشانه با گرایش به بسیاری از رفتارهای تکانه‌ای (همچون قماربازی) رابطه داشته و احتمالاً منجر به تأثیر اولیه مناسب (برای مثال اجتماعی شدن) می‌شود. بااین‌وجود خودشیفته‌های آسیب‌پذیر نسبت به توقعات حق‌طلبانه خود تعارض داشته و تلاش به انکار آن دارند. این توقعات به حس خصومت و خشم نسبت به سایرین و افسردگی و شرم می‌انجامد (۱۷). در واقع زمانی که نیاز افراد خودشیفته برآورده نمی‌شود، دچار خشم شدیدی شده (۱۶) و در نتیجه نقص در بازداری رفتارهای پذیرفته‌نشدنی و تکانه‌های ضداجتماعی را از خود نشان می‌دهند (۲۰).

در نهایت همسو با نتایج پژوهش حاضر، پژوهش (۵۴) نشان داده که خودشیفتگی آسیب‌پذیر، رابطه بین اضطراب دلبستگی و پراشتهایی عصبی و خودشیفتگی بزرگ‌منش، رابطه بین اجتناب دلبستگی و بی‌اشتهایی (رژیم گرفتن) را میانجی‌گری می‌کند. طبق مدل‌های خودتنظیمی، افراد خودشیفته بزرگ‌منش ممکن است مستعد انجام رفتارهای مضر باشند تا به فرم بدنی مناسب برسند. لذا به رفتارهای کنترل گری شدید از جمله محدودکردن مقدار و یا کیفیت غذای مصرفی خود در پی حفظ یا ارتقای حس مثبت بودن هستند. در افراد خودشیفته آسیب‌پذیر نیز رفتارهای پرخوری ممکن است شیوه‌ای جهت مقابله با حساسیت به انتقاد و سطوح بالای عواطف منفی باشد.

نتیجه‌گیری

در کل نتایج پژوهش حاضر نشان داد که سبک‌های دلبستگی با تکانشگری رابطه دارند و خودشیفتگی آسیب‌پذیر و بزرگ‌منش به طور معناداری این رابطه را میانجی‌گری می‌کنند؛ لذا از این نتایج می‌توان در ارائه پروتکل‌های درمانی و آموزشی جهت پیشگیری از تکانشگری استفاده نمود. از جمله محدودیت‌های این پژوهش ماهیت پرسشنامه‌ای بودن پژوهش بود. پیشنهاد می‌شود در مطالعات آتی از پرسشنامه‌های تکانشگری شناختی و عملی نیز بهره برد تا سایر ابعاد تکانشگری نیز مشخص گردد. همچنین مشابه پژوهش فوق در گروه‌ها و نمونه‌های دیگر نیز انجام گیرد.

تشکر و قدردانی

نویسندگان این مقاله بر خود لازم می‌دانند که از تمامی شرکت‌کنندگان در پژوهش سپاس‌گزاری نمایند.

تعارض منافع

نویسندگان اعلام می‌نمایند که تضاد منافعی در این پژوهش وجود ندارد.

[Downloaded from ndhj.lums.ac.ir on 2026-11-27]

Reference

1. Stanford MS, Mathias CW, Dougherty DM, Lake SL, Anderson NE, Patton JH. Fifty years of the Barratt Impulsiveness Scale: An update and review. Personality and individual differences. 2009. 1; 47(5):385-95.
2. Lynam DR, Smith GT, Whiteside SP, Cyders MA. The UPPS-P: Assessing five personality pathways to impulsive behavior. West Lafayette, IN: Purdue University; 2006.
3. Sadock BJ, Sadock BJ, Sadock VA, Ruiz P. Kaplan & Sadock's synopsis of psychiatry: Behavioral sciences/clinical psychiatry. Philadelphia: Lippincott Williams & Wilkins; 2015.
4. Van Der Zouwen M, Hoeve M, Hendriks AM, Asscher JJ, Stams GJJ. The association between attachment and psychopathic traits. Aggression and violent behavior. 2018; 43: 45-55.
5. Chen BB, Santo B. The relationship between shyness and unsociability and peer difficulties: The moderating role of insecure attachment. International Journal of Behavioral Development. 2016: 40; 346–358.
6. Berk LE. Development through the lifespan. 4th ed. Boston: MA: Allyn and Bacon; 2007.
7. Walters GD. Early attachment and narcissistic entitlement: tracing the roots of adolescent proactive criminal thinking. Journal of developmental and life-course criminolog. 2019; 5(2): 266-285.
8. Rees C. Children's attachments. Paediatrics and Child Health. 2020; 30(5): 162-168.
9. Khanjani Z, Husseininasab S, Kazemi A, Panahali A. Attachment Styles and Personality Disorders: An Analysis of the Relationship between Insecure Attachment Style and Cluster B and C Personality Disorders. Clinical Psychology Studies. 2012; 2(7): 103-126. [In Persian]
10. Kernberg OF, Yeomans FB. Borderline personality disorder, bipolar disorder, depression, attention deficit/ hyperactivity disorder, and narcissistic personality disorder: practical differential diagnosis. Bulletin of the Menninger clinic. 2013; 77(1): 21-2.
11. Davidson S, Ireland C. "Substance misuse: the relationship between attachment styles, personality traits and coping in drug and non-drug users". Drugs and Alcohol Today. 2009; 9(3), 22-27.
12. Ganji M, Ganji Hamze. Psychopathology based on DSM-5. Tehran: Publication savalan; 2013. [In Persian]
13. O'Reilly CA, Hall N. Grandiose narcissists and decision making: Impulsive, overconfident, and skeptical of experts–but seldom in doubt. Personality and Individual Differences. 2021; 168: 110280.
14. Pincus AL, Lukowitsky MR. Pathological narcissism and narcissistic personality disorder. Annual review of clinical psychology. 2010; 6: 421-446.
15. Pincus AL, Ansell EB, Pimentel CA, Cain NM, Wright AG, Levy KN. Initial construction and validation of the Pathological Narcissism Inventory. Psychological assessment. 2009; 21(3): 365-379.
16. Krizan Z, Herlache AD. The narcissism spectrum model: A synthetic view of narcissistic personality. Personality and Social Psychology Review. 2018; 22(1): 3-31.
17. Dickinson KA, Pincus AL. Interpersonal analysis of grandiose and vulnerable narcissism. Journal of Personality Disorders. 2003; 17(3): 188-207.
18. Kealy D, Ogrodniczuk JS, Joyce AS, Steinberg PI, Piper WE. Narcissism and relational representations among psychiatric outpatients. Journal of personality disorders. 2015; 29(3): 393-407.
19. Menon M, Moyes HC, Bradley CM. Interactive influences of narcissism and self-esteem on insecure attachment in early adolescence. The Journal of Early Adolescence. 2018; 38(7):966-87.
20. Jones DN, Paulhus DL. The role of impulsivity in the Dark Triad of personality. Personality and Individual Differences. 2011; 51: 679–682.
21. Malesza M, Kaczmarek MC. Grandiose narcissism versus vulnerable narcissism and impulsivity. Personality and Individual Differences. 2018: 1; 126:61-5.
22. Miller JD, Hoffman BJ, Gaughan ET, Gentile B, Maples J, Keith Campbell, W. Grandiose and vulnerable narcissism: A nomological network analysis. Journal of Personality. 2011; 79(5): 1013–1042.
23. Czarna AZ, Dufner M, Clifton AD. The effects of vulnerable and grandiose narcissism on liking-based and disliking-based centrality in social networks. Journal of Research in Personality. 2014; 50: 42–45.
24. Zhang H, Wang Z, You X, Lü W, Luo Y. Associations between narcissism and emotion regulation difficulties: Respiratory sinus arrhythmia reactivity as a moderator. Biological psychology. 2015; 110: 1-11.
25. Caffarel, Shelby E., "Vulnerable Narcissism, Difficulties in Emotion Regulation, and Relational Aggression in College Students". Honors Theses. The University of Southern Mississippi; 2019.
26. Vazire S, Funder DC. Impulsivity and the self-defeating behavior of narcissists. Personality and social psychology review. 2006; 10(2):154-65.
27. Friedman JN, Oltmanns TF, Gleason ME, Turkheimer E. Mixed impressions: Reactions of strangers to people with pathological personality traits. Journal of Research in Personality. 2006; 40(4):395-410.

[Downloaded from ndhj.lums.ac.ir on 2026-11-27]

28. Patton JH, Stanford MS, Barratt ES. Factor structure of the Barratt impulsiveness scale. Journal of clinical psychology. 1995: 51(6); 768-74.
29. Javid M, Mohammadi N, Rahimi C. Psychometric properties of an Iranian version of the Barratt Impulsiveness Scale-11 (BIS-11). 2012; 2(8): 23-34. [In Persian]
30. Besharat MA. Development and Validation of Adult Attachment Inventory. Procedia - Social and Behavioral Sciences. 2011: 30; 475–479. [In Persian]
31. Ames DR, Rose P, Anderson CP. The NPI-16 as a short measure of narcissism. Journal of research in personality. 2006; 40(4): 440-450.
32. Mohammadzadeh, A. Iranian validation of the narcissistic personality inventory-16. Journal of Fundamentals of Mental Health. 2009; 11(44): 81-274. [In Persian]
33. Hendin HM, Cheek JM. Assessing hypersensitive narcissism: A reexamination of Murray's Narcism Scale. Journal of research in personality. 1997; 31(4):588-99.
34. Jalali Asheghabadi P, Borjali A, Hosseinsabet F. Overt and Covert Narcissism in Iranian Students: The Role of Self-esteem and Shame. Iranian Journal of Practice in Clinical Psychology. 2015: 3(2); 79-88. [In Persian]
35. Schreiber LR, Grant JE, Odlaug BL. Emotion regulation and impulsivity in young adults. Journal of Psychiatric Research. 2012; 46(5): 651-658.
36. Scott LN, Levy KN, Pincus AL. Adult attachment, personality traits, and borderline personality disorder features in young adults. Journal of personality disorders. 2009; 23(3):258-80.
37. Weiss NH, Sullivan TP, Tull MT. Explicating the role of emotion dysregulation in risky behaviors: a review and synthesis of the literature with directions for future research and clinical practice. Current Opinion in Psychology. 2013; 3: 22-29.
38. Malesza M, Ostaszewski, P. Dark side of impulsivity—Associations between the Dark Triad, self-report and behavioral measures of impulsivity. Personality and Individual Differences. 2016; 88: 197–201.
39. Wetzel E, Atherton OE, Robins RW. Investigating the link between narcissism and problem behaviors in adolescence. Self and Identity. 2019; 1-14.
40. Rogier G, Marzo A, Velotti P. Aggression among Offenders: The Complex Interplay by Grandiose Narcissism, Spitefulness, and Impulsivity. Criminal Justice and Behavior. 2019; 46(10): 1475–1492.
41. Millon T, Grossman SD, Millon C, Meagher SE, Ramnath R. Personality Disorders in Modern Life. 2nd ed. John Wiley & Sons: Hoboken, NJ; 2004.
42. Young, JE, Klosko JS, Weishaar M.E. Schema therapy: A Practitioner's guide. New York: Guilford Press; 2003.
43. Thomaes S, Bushman BJ, Castro BO, Cohen GL, Denissen JJ. Reducing narcissistic aggression by buttressing self-esteem: An experimental field study. Psychological Science. 2009; 20(12):1536-42.
44. Fossati A, Feeney J, Pincus A, Borroni S, Maffei C.The structure of pathological narcissism and its relationships with adult attachment styles. Psychoanal Psychol. 2014; 32:403–431.
45. Rohmann E, Neumann E, Herner MJ, Bierhoff HW. Grandiose and vulnerable narcissism: Self-construal, attachment, and love in romantic relationships. Eur Psychol. 2012; 17:279–290.
46. Timmerman IG, Emmelkamp PM. The relationship between attachment styles and Cluster B personality disorders in prisoners and forensic inpatients. International Journal of Law and Psychiatry. 2006; 29(1):48-56.
47. Brewer G, Bennett C, Davidson L, Ireen A, Phipps AJ, Stewart-Wilkes D, Wilson B. Dark triad traits and romantic relationship attachment, accommodation, and control. Personality and Individual Differences. 2018; 120:202-8.
48. Leyla KA, Kalkan M. Investigation on University Students' Narcissistic Tendencies, Attachment Styles and Social Media Usage. Journal of Higher Education and Science. 2019; 9(2):243-9.
49. Bennett CS. Attachment theory and research applied to the conceptualization and treatment of pathological narcissism. Clinical Social Work Journal. 2006; 34(1): 45-60.
50. Mikulincer M, Shaver PR. Attachment in adulthood: Structure, dynamics, and change. New York: Guilford Press; 2007.
51. Cramer P. Narcissism and attachment: The importance of early parenting. The Journal of nervous and mental disease. 2019; 207(2):69-75.
52. Yat Sun JT. The Relationship of parental child rearing practices on the development of Pathological narcissism in a Hong Kong sample. PhD thesis. California School of Professional Psychology; 2013.
53. Kernberg, O. F. Severe Personality Disorders: Psychotherapeutic Strategies. New Haven: Yale University Press; 1984.
54. Trumpeter NN, Watson PJ, O'Leary BJ, Weathington BL. Self-functioning and perceived parenting: Relations of parental empathy and love inconsistency with narcissism, depression, and self-esteem. The Journal of genetic psychology. 2008; 169(1): 51-71.

[Downloaded from ndhj.lums.ac.ir on 2026-11-27]

The mediating role of vulnerable and grandiose narcissism in the relation between attachment styles and impulsivity among university students

***Sepideh Farajpour Niri*[1], *Zeynab Ahmadi*[2], *Michael Bakhshesh Broujeni*[3]**

1. PhD candidate of clinical psychology, Department of clinical Psychology, Faculty of Education & Psychology, University of Shiraz, Shiraz, Iran.
2. PhD candidate of Psychology, Department of Psychology, Faculty of Education & Psychology, University of Shahid beheshti, Tehran, Iran.
3. Master of clinical psychology, Department of clinical Psychology, Faculty of Education & Psychology, University of Tabriz, Tabriz, Iran.

Abstract

Background & Objectives: *Considering the effect of transformational factors on individual and social problems and the need to pay more attention to them, the present study was conducted to investigate the relationship between impulsivity and attachment styles mediated by large-scale narcissism and vulnerability.*

Materials and Methods: *The present study was descriptive-correlational. Using multi-stage cluster sampling method, 300 students of Tabriz University were selected. Data collection tools were the Adult Attachment Inventory, the narcissistic personality inventory, the Hypersensitive Narcissism Scale, and the Barratt Impulsiveness Scale. Data were analyzed using structural equation method and AMOS23 software.*

Results*: The results of direct paths showed a significant negative relationship between secure attachment and impulsivity (r = -0.19, p <0.01) and also a positive relationship between avoidant and ambivalent attachment, vulnerable and grandiose narcissism with impulsivity (respectively r = 0.18, r = 0.20, r = 0.16, r = 0.21, p> 0.01). In indirect paths, vulnerable narcissism and grandiose narcissism have been significant mediators of the model.*

Conclusion: *According to the results, grandiose and vulnerable narcissism can explain part of the relationship between attachment styles and impulsivity. These findings indicate the importance of attachment styles and the two types of narcissism mentioned in the prevention of impulsive behaviors.*

Keywords*: Impulsivity, Narcissism, Vulnerable, Grandiose, Attachment*

[Downloaded from ndhj.lums.ac.ir on 2026-11-27]